

مذاکرات مجلس

صورت مشروح مجلس روز پنجشنبه ۱۲ شهریور ماه ۱۳۲۱

هرست مطالب :

- ۱ - تصویب صورت مجلس
- ۲ - بقیه شور گزارش کمیسیون بودجه راجع به متمم بودجه ۱۳۲۱
- ۳ - موقع دستور جلسه بعد - ختم جلسه
- از ماده ۵

مجلس یکساعت و سه ربع پیش از ظهر بریاست آقای اسفندیاری تشکیل گردید

صورت مجلس روز سه شنبه ۱۰ شهریور ماه را آقای (ملوسی) منشی قرائت نمودند

۱ - تصویب صورت مجلس

رئیس - در صورت مجلس نگاری نیست؟ (گفته شد - خیر)
صورت مجلس تصویب شد

۲ - بقیه شور گزارش کمیسیون بودجه راجع به متمم بودجه از ماده ۵

جمعی از نمایندگان - دستور

رئیس - در ماده ۵ عده از آقایان اجازه خواسته بودند مضمی مذاکره کردند و بعضی دیگر ماندند. آقای امیر تیمور امیر تیمور - بنده اجازه که خواسته بودم برای جلسه قبل رد راجع به فرمایشاتی که حضرت والا شاهزاده محمدولی

میرزا در خصوص ماده ۵ بیان فرمودند خواستم خدمتشان عرض کنم که تمام اشکالاتی که فرمودند در موضوع ماده ۵ بنحو کامل مورد توجه کمیسیون قرار گرفت و مدتی هم در کمیسیون برای رفع آن اشکالات مذاکره شد و برای تأمین نظریات حضرت والا بهترین فرمول همین فرمولی است که کمیسیون بودجه معین کرده است که این کار خاجات با اصول بازرگانی اداره شود و امیدوار هستیم طولی نکشد بعد از این که این عمل اجرا شد حضرت والا رفع انگریزانشان بشود و خودشان تصدیق خواهند فرمود که کمیسیون بالندازه

(مطابق قانون ۸ آذر ماه ۱۳۰۵)

این مذاکرات مشروح هشتماد و چهارمین جلسه از سیزدهمین دوره قانون گذاری

اداره تدوین و تحریر صورت مجلس

اسامی غائبین جلسه گذشته که ضمن صورت مجلس خوانده شده :

- غائبین با اجازه - آقایان ، مؤید احمدی - اورنگ - یهین اسفندیاری - امیر ابراهیمی - کرگانی - طاطمی - مقدم ،
- غائبین بی اجازه - آقایان تولیت - دکتر ضیاء - نوبخت - فاضل - شهسواری - ملک مدنی - فرخ - مشار - مکرم المشار - ملکراده آملی
- اکبر - حمزه تاش - دبستانی - آصف - صادق وزیری - کامل ماکو ،
- دیر آمدگان بی اجازه - آقایان ، موفر - ابوالمنی - نهرانچی - نقابت - بوداییان ،

کافی کار کرده و توجه کرده است .

رئیس - آقای نقابت (حاضر نبودند) . آقای صفوی .

صفوی - بنده خیلی میل داشتم که آقای هریز وزیر بازرگانی و پیشه و هنر تشریف داشتند و مخصوصاً در قسمت ماده ۵ این لایحه و قسمتی که راجع به کارخانه ها است توضیحات لازم در جواب مطالبی که ایراد میشد بدهند (اعتبار - تلفون بفرمائید بیایند) و همانطور که آقای مخبر نظرشان هست ممکن است تلفون بفرمائید و ماده ۵ باشد تا ایشان تشریف بیاورند .

مخبر کمیسیون بودجه - بنده می بینم ماده ۵ را غالب آقایان درش نظر دارند و خوب است وزیر مربوطه اش باشد و توضیحاتی داده شود از این جهت تقاضا میکنم ماده ۵ فعلاً باشد و ماده ۶ را مطرح کنیم تا ایشان بیایند .
عده الزمائین - صحیح است .

صفوی - عرض بنده هم در ماده ۵ است باشد تا آقای وزیر پیشه و هنر و بازرگانی بیایند .

رئیس - ماده ۶ خوانده میشود :

ماده ششم - وزارت دارایی مجاز است در سال ۱۳۲۱ و در اول هر سال موجودی حساب درآمد و هزینه مقدماتی ثبت اسناد و املاک را بدرآمد عمومی انتقال داده و در جریان سال هر وقت در آمد حساب مذکور برای پرداخت هزینه های از آن محل کافی نباشد مبلغ متناسب با احتیاج از آنخواه گردان خزانه داری کل به آن حساب وام داده و در موقع انتقال موجودی حساب سالیانه بدرآمد عمومی وام را از موجودی واریز و بقیه را بدرآمد عمومی منتقل نماید .
رئیس - آقای فرما فرمائید .

فرمانفرمایان - بنده برای اینکه کاملاً به ثبوت برسد که با کلیه مواد مخالفتی ندارم من جمله با این ماده (چون يك عمل بودجه ایست و تأییری ندارد در جمع و خرج مملکت) فقط يك توضیحی میخواستم که آقای مخبر جواب بفرمایند این جا يك جمله دارد (که به در آمد عمومی انتقال دهند) خواستم آقای مخبر توضیح بفرمایند که تا حالا عمل چه بوده

که سر و کار با اداره ثبت اسناد دارند کاملاً متوجه هستند و اغلب بنده می بینم بعضی از همکاران محترم راجع به تشکیلات وزارت دادگستری ایراد و شکایاتی دارند که به عقیده بنده بهیچوجه وارد نیست واقعا اگر وارد دروزارت عدلیه بشویم می بینیم که وزارت عدلیه دارای يك تشکیلات فوق العاده منظمی است که شاید در سایر وزارتخانه ها نباشد و کارمندانی هم که در آنجا هستند در اینمدت لیاقت خودشان را نشان داده اند و مردمان صحیح العمل و پاکدامنی هستند و این که اشخاص گله مند هستند که کارها دروزارت عدلیه طول میکشد اگر مراجعه بفرمایند با اداره ثبت اسناد و بکارهای آن جا مراجعه کنند خواهند دید که اغلب املاکی که سالها است تقاضای ثبت شده همینطور مانده است و به عقیده بنده ادارات ثبت اسناد محتاج به يك تشکیلات صحیحی است و امروز که آقایان وزراء همه جور با مجلس همکاری میکنند يك تجدید نظری در وزارت دادگستری در قسمتی که مربوط به ثبت اسناد است بکنید که مردم کارشان زودتر بگذرد مثلاً بنده خیال میکنم که اگر دفاتری که مربوط به محاضر رسمی است اینهارا عوض دو دفتر يك دفتر بکنند فوق العاده اسباب تسهیل جریان امور میشود و همچنین در قسمت اوراق اجرائی و سرعت جریان اداری آن که از کارهای لازم است اگر توجه بیشتری بفرمایند گمان میکنم فوق العاده موجب رضایت عمومی فراهم خواهد شد .

مخبر - دو قسمت از فرمایشات آقای منشور راجع به موضوعی بود که معارض نبود باین جهت بنده جوابی در این باب ندارم که عرض کنم . اما راجع به عوائد موضوع صدی بیست و پنج هزینه مقدماتی ثبت این را لازم میدانم خدمتشان عرض کنم که این عوائد دولت نیست این پولی است مال مردم که وقتی میخواهند تقاضای ثبت بکنند (شما خودتان وارد هستید و باید بهتر مستحق باشید) يك صدی بیست و پنج مبلغ حق الثبت هم برای هزینه مقدماتی به صندوق ثبت میدهند و این پول مال مردم است و برای اینکه این پول بهتر محفوظ بماند چون تا بحال در خود اداره ثبت جمع آوری

میشد و در صندوق ثبت میماند حالا دولت اینطور فکر کرد که این پول برود بخزانه جزء عوائد عمومی و بعد هم از محل آن خرجی که باید بشود پرداخته شود و اگر يك وقتی هم آن محل کافی برای مخارج لازمه نباشد از تنخواه گردان خزانه پرداخته شده تا دو باره بر گردد پس این پول دولتی نیست مربوط باشخاص است و هیچ ارتباطی هم با بودجه جمع و خرج دولت ندارد .

رئیس - آقای انوار

انوار - موافقم .

رئیس - آقای صدر .

صدر - بنده میخواهم موضوع یعنی تاریخچه این هزینه مقدماتی ثبت را خدمت آقایان عرض کنم و آنوقت اگر مصلحت بود تصویب بفرمائید یعنی بنده خود مخالفم و تصویب این ماده به عقیده بنده جایز نیست . در دوره های گذشته يك پولهایی بر حسب مقررات نه بر حسب قانون از مردم میگرفتند چند تایی آنرا بنده سراغ دارم یکی راجع به ثبت است یکی مال دارایی مال دارانی باشد بعداً عرض میکنم . موضوع ثبت این است که وقتی که ثبت املاک تشکیل شد يك حق الثبتی که جزء عوائد عمومی دولت میشود بموجب تعین یا يك ترتیب دیگری گرفته میشد این بجای خودش بعد در نظر گرفته شد که ثبت يك مخارج مقدماتی هم دارد برای اعلانات در روزنامه ها و الا خرج اداره ثبت را دولت میدهد و آن حق الثبتی که میدهند در واقع از برای تشکیل این کار است و باید خرجش را بردارد ولی برای مخارجی که مربوط به مقدمات ثبت است از قبیل اعلان و پلاک و اوراق مالکیت در نظر گرفتند که يك پولی از مردم بگیرند و تحمیل کردند که در موقع تقاضای ثبت پولی بگیرند از کسی که میخواهد تقاضای ثبت کند در اوائل بر حسب تخمین يك پولی میگرفتند و قرار این بود که بعد از تمام شدن ثبت و گذشتن موعد اعتراض و دادن ورقه مالکیت حسابی برای اشخاص باز کنند (چون همیشه احتیاطاً زیاد تر میگرفتند) اگر یکقدری مانده بود اضافه را پس میدادند بعد يك ترتیب دیگری پیش آمد

که آن کار نشد و تفصیری هم از اداره ثبت نبود و نمیتوانست کاری بکند یعنی یک جاهائی مخارج مقدماتی نمیدادند يك جاهای عمده ای و مجبور بودند که از جاهای دیگر که مخارج مقدماتی میکردند خرج آنجاها هم بکنند گاهی هم طوری زیاد می آمد که این پول میماند بنده در موقع تصدی خودم در وزارت داد گستری غنیمت دانستم پنججاه شصت هزار تومان که جمع شده بود با اجازه مجلس در نظر گرفته شد که عمارت ثبت اسناد را بسازم و اساختم البته با اجازه مجلس که مختار در خرج کردن آن وجود باشم چون این پول مال خزانه ملکیت بود مال مردم هم در حقیقت نبود برای این که صاحب معینی نداشت میان چند میلیون اشخاص مشتبه بود و معلوم نبود که مال کیست ولی از آن به بعد معلوم نشد که این پول چه شد و بعد از آنکه ثبت آن املاک عمده يك قدری طرزش بهم خورد معلوم نشد که پولهای که از این بابت جمع شده است چه شده است کم است زیاد است چه قدر است در هر حال عدالت مقتضی این است که این پول مال مردم است دولت اگر میخواهد حق الثبت را زیاد کند باید لایحه بیاورد و بگوید حق الثبت صدی يك بوده است و صدی دو یا صدی سه میشود ولی اگر بخواهد يك همچو پولهایی که مجهول است و بطور تخمین از مردم گرفته میشود و معلوم نیست چه قدر خرج میشود جزء عوائد عمومی بکند این صحیح نیست و خلاف قانون است ولی البته هم بطور که اول میگردند که هر پرونده ای يك حساب معینی داشت و يك صورت حسابی هر پرونده داشته باشد که آنچه گرفته میشود به جمع حساب آن پرونده بگذارند و آنچه خرج میشود معلوم کنند و اضافه را به صاحب آن بپردازند آن صحیح است. يك مخارج دیگری در ثبت گرفته میشود بعنوان مخارج تفکیکی اینرا نمیدانم چیست چون معمول است که کارشناس میفرستند و می آیند این کار را میکنند این مستخدم آن اداره است حقوق هم میگیرد و حق الزحمه و کرایه درشکه هم از صاحبان املاک میگیرد و بعد هم يك پولی علاوه میگیرند بنده نمیدانم این چه چیز است. بنده میل داشتم که آقای وزیر داد گستری که حقیقتاً

داد گستر و عدالت منش هستند تشریف میداشتند و جواب نمیدادند و اینرا بر سبیل تذکر عرض کردم که بعضی معایب را مطلع شوید و بفهمند. بنده خودم يك معامله ای داشتم فرستادم آنجا بعد از مدتی معطلی و تلفون هائی که کردم يك مأموری آمده است و چهل و دو تومان پول گرفته است بعنوان حق التفکیك این یعنی چه و بچه عنوانی گرفته میشود معلوم نیست. اجناس را از ولایات میخواهند حمل کنند يك حقی میگیرند برای اجازه حمل بنده نمیدانم اینها چیست که برای هر چیزی يك پولهای خلاف قانون گرفته میشود؟ در يك جایی بنده يك زعفران کاری داشتم پانزده سیر زعفران عمل آمده بود هیچده تومان خواسته بودند که اجازه حمل بدهند مطالبه این پولها نمیدانم روی چه قانونی است و مطابق کدام مقررات قانونی است؟ بچه جهت میگیرند؟ خوب است دولت يك قدری مراجعه کنند بسوابق این کار البته سوابق را نمیشود درس اسرار کرد و حرف زد در این موارد ولی حالا که دولت در نظر دارد که چیزهایی که مخالف قانون است موقوف بکنند خوب است در اینم وارد دقت بکنند.

رئیس - آقای اوار

الوار - اجمالاً فرمایشات آقای صدر را بنده شنیدم خود آقای صدر باید تصدیق فرمایند که هیچ مالیاتی برقرار نمیشود مگر بحکم قانون ملاحظه فرمائید در ادارات عدلیه چه جور مالیاتهای هست مالیات کدام است مالیات آن است که از مردم گرفته شود هر کجا میخواهند عرضه حال بدهند ورقه باید بخرند سه قران و کالنامه میخرند پنج قران يك قسم عوارض را در عدلیه تأسیس کرده اند در صورتی که آن تأسیسات و برقراری این عوارض هیچ بحکم قانون نبوده است این صریح قانون اساسی است که هیچ مالیاتی وضع نمیشود و گرفته نمیشود مگر بحکم قانون اینهمه هم مالیاتی که لازمه عدلیه بر مردم میشود کدام يك مطابق قانون است؟ نایباً بنده کاملاً در نظر دارم وقتی که حضرت اجل عالی وزیر داد گستری بودید بنده آنوقت در مجلس

بودم در روزنامه خواندم که در نظر گرفته شده هشتاد هزار تومان که از محل مخارج مقدماتی زیاد آمده است و زیاد از مردم گرفته شده است بهتر این است که عمارت برای ثبت اسناد درست کنند عرض کردم آنوقت بنده در مجلس نبودم ولی در نظر داشتم. آقا که توجه خاصی بقانون دارید باید توجه فرمائید که يك پولهایی که زیاد از مردم گرفته شده است و مطابق پرونده ها حسابش معلوم است پولهای مردم را بهشان برگردانید ماها که دارای يك عقایدی هستیم مطابق آن عقیده و مطابق قانون مدنی باید بگوییم مال مردم مال مردم است زیادی گرفته شده است صاحبان آنها هم معلومست پولی بابت مخارج مقدماتی ثبت داده اند بعد بابت مخارج آن ثبت چه قدر شده است چه قدر داده شده از بابت اعلان چه قدر داده اند از بابت فلان بعد از آنکه محاسب شما رسیدگی کرد و دید مال کی است آنوقت میگوید آقا بیاید اضافه را برسد آنوقت ملاحظه خواهید فرمود که مردم چه قدر علاقه مند میشوند باین ادارات که وقتی پول زیادی گرفته می شود دولت اعلان میکند که بیاید اضافه را بگیرید ولی آنوقت شما آمدید پیشنهاد کردید که این هشتاد هزار تومان را که صاحبانش هم معین بود که تمام آنها در دوسیه اسمشان و محل اقامتشان و سجل احوالشان اسم خاواد گیشان معلوم بود بمصرف ساختمان اداره ثبت برسد برای چه شده آمدید این کار را کردید؟ حالا که این کار را کردید دولت کاملاً فهمیده است که این پولهایی که بعنوان مخارج مقدماتی گرفته میشود مربوط بعوائد دولت است و این جا که فعلاً هست يك جایی است که سوراخ پیدا کرده است و باید زمر کز بدهد سابقاً شما زمر کز عوائد نداشتید در مالیه حلالا باید در يك اداره که محل زمر کز تمام عوائد است تمام این پولها جمع شود و در آنها زمر کز پیدا کنند و از آنها خرج شود چرا بیاییم اینجا که به تصدیق خودتان فرمودید هشتاد هزار تومان زیاد آمده است اگر شما نبودید که پیشی بین الله شخص یا کتانی بود باید که گفتید آقا هشتاد هزار تومان تا الآن زیاد گرفته نشده است از مردم پس هم نمیدهیم حالا

چکارش بکنیم يك عمارت برای ثبت اسناد بسازیم شما این کار را کردید ولی دیگران نکردند کجا آمدند بگویند که چهار سال پنج سال بعد از شما ثبت اسناد کار خود را کرده و این پول را هم گرفته زیادی آن کجا است ولی حالا معلوم شد که يك زیادتی هست مطابق اعتبارشان و در قانون هم تصریح شده است که بجائی برود اینجا وزارت دارائی ملتفت شد آقای بدر خدا حفظش کند ملتفت شد اینجا سوراخ پوراخی هم هست و حیف و میل میشود این است که اینجا این ماده را گذاشته است که این وجود را بگذارند در صندوق دولت هر وقت محتاج شد بگیرند و هر وقت برای مصرفی لازم است بهشان از آنجا داده شود و دستشان هم باز باشد بهر جا که میخواهند بروند پس عقیده ام اینست که این ماده مطابق اصولی که ما داریم در حفظ وجوه عامه است این ماده قانون خیلی مفید و واضح است و شما هم موافقت بکنید که بنده اطلاع دارم و کله دارم که کارشان عقب می افتد در ثبت و همه میدانند که در ثبت اسناد کارها عقب می افتد و آنطوری که شما میفرمائید اثری ندارد و عقیده ام اینست که این ماده قبول شود و حفظ مالیه دولت را کاملاً کرده باشیم.

رئیس - آقای صدر

صدر - بنده توضیحی عرض میکنم به آقای اوار عرض میکنم که بنده اینک عرض کردم هزینه مقدماتی حساب دارد البته بی حساب هم گرفته نمیشود یعنی گویا از صد تومان هفتده ریال و هزار تومان هفتده تومان اینطوری بادم است گرفته میشود و عنوانش هم این بود که عرض کردم برای این میگیرند که مخارج مقدماتی ثبت بکنند ولی البته پیش بینی را زیاد تر میکنند حیف و میل هم نمیشود و بنده عرض میکنم که اشخاص میخواهند خیر بخورند نمیشود آن مبلغ هم هشتاد هزار تومان نبوده موقمی که بنده پیشنهاد کردم آنوقت ۱۴ هزار تومان بود و ۸۰ هزار تومان بر آورد مخارج بود برای ساختمان محارت و قرار شد وزارت مالیه باقی را بدهد و سالی به پانزده هزار تومان که برای کرایه منزل ثبت پرداخت می شد این عمارت که برای اداره ثبت ساخته میشود دیگر کرایه منزل

نمیدهد و اینرا از همان سال استهلاك كنند در هر حال یا چهارده یا هشتاد هزار تومان بنده غنیمت دانستم که در آن موقع که هیچ امید نبود مردم پس داد و از محال بود و از ممانعت بود يك پول مجهول المالکی بود مال چندین میلیون اشخاص آهم اضافاتی که هیچکدام را حساب نگاه نداشته بودند يك پول مجهول المالکی بود که بنده تصور کردم اگر با اجازه مجلس این را بمصرف ساختمان عمارت ثبت اسناد برسانند بهتر است .

رگهس - موافقین با ماده شش بر خیزند (اغلب برخاستند) تصویب شد . حالا این ماده پنج را که گذارده بودید آقای وزیر تشریف بیاورند و مذاکره بفرمائید حالا آقای وزیر تشریف دارند آقای ناصری

ناصری - بنده يك تذکری داشتم در باب جمله دوم ماده ۵ راجع باستخدام اعضای فنی وزارت بازرگانی و پیشه و هنر بطوریکه آقایان معتقدند در برنامه دولت هم مختصری در این موضوع اشاره شده بود ولی بنده میدانم یعنی از خارج اغلب شنیده میشود که يك عده زیادی از اشخاص فنی گماشته شده اند بکارهای اداری و بالعکس اشخاص اداری بکارهای فنی و يك عده از اشخاص فنی هم کارهای آزاد میکنند که ربطی بفن خودشان ندارد ولی اینها در مقابل هزینه که برای معلومات آنها و برای تحصیلات آنها شده از این حیث حتماً باید کشور از آنها استفاده بکنند و مورد این هست که از وجود آنان و معلومات و تحصیلات و تخصص آنها استفاده بشود در ظرف چند سال اخیر تقریباً شصت هفتصد نفر از طرف دولت و شاید در حدود سیصد چهارصد نفر دیگر که مجموعاً هزار نفر میشوند جوانان ایرانی فرستاده شدند به اروپا و تحصیلات کردند عده از آنها هم بقراری که شنیدم تحصیلات خیلی خوبی کرده اند و در ردیف شاگردان اول حتی برابر و بهتر از شاگردان آن جاهایی که خودشان اهل آن کشور بودند و اینها در آنجا تحصیل کرده اند بیرون آمدند و نتیجه خوبی گرفته اند (صحیح است) بنده خیال میکنم آقای وزیر پیشه و هنر که بیشتر تماس دارند از اشخاص فنی که مربوط

باین وزارتخانه و امور فنی هستند يك آماری تهیه میکردند از این اشخاص در هر کجا هستند و رسیدگی میکردند که آیا برای استفاده از وجود آنها و تحصیلات اینها وسائل فراهم میشود یا نمیشود اگر میشود بهتر میدانند و بهتر متوجه هستند استفاده که خودشان البته بهتر میدانند و بهتر متوجه هستند استفاده بهتر و بیشتری از وجود این اشخاص بنمایند .

وزیر بازرگانی و پیشه و هنر - فرمایش نماینده محترم البته اصولاً صحیح است بنده هم تصدیق دارم ولی علت اینکه فنی ها بامور اداری یا اشخاصی که عادی هستند و امور تخصص به آنها واگذار شده است . يك قسمت از آن مربوط به رعایت قانون استخدام بوده است که نتوانسته اند از وجود آنها در کارهایی که مورد نظر بوده است استفاده بکنند ولی اگر از نتیجه تحصیلی که خود او کرده است استفاده بکنند او هم راضی میشود نه اینکه در يك قسمت دیگری که این کار نکرده است و تخصص او نبوده است وارد شود یا فرض بفرمائید محل نبوده است و او هم راضی نمیشد با حقوق کمتر در قسمت دیگر که علمی ای حال کارش فنی است کار کند مثلاً درس مهندسی را خوانده است و بعد در رشته میکائیک یا برقی هم مثلاً پیشرفت کرده و در این رشته بخصوص کار کرده ولی در يك رشته دیگری او را گماشته اند البته این نظر کاملاً صحیح است و منظور از این که این جا اوستقیم مقررات اداری و استخدام و مالی که برای تأمین این منظور لازم باشد بموجب آئین نامه هائی که با موافقت وزارت دارائی بتصویب هیئت وزیران خواهد رسید پیش بینی خواهد شد برای همین نظر است امیدوارم نظر ایشان کاملاً تأمین خواهد شد .

رگهس - آقای بیات . بیات - در جلسه قبل آقای وزیر بازرگانی و پیشه و هنر در موضوع کارخانجات اظهاراتی فرمودند در ضمن اظهار فرمودند که حساب این کارخانجات یعنی آن قسمت ۱۲ / را نمیشود انجام داد تا بحال هم انجام داده نشده است در ضمن يك مشکلائی را هم اظهار کردند بنده هم قبلاً عرض کرده بودم که اگر دوازده درصد را کافی میدانند یا نمایند بمقیده

بنده در هر حال اگر يك واقعه در این قانون می بینند باید رفع آن واقعه را پیشنهاد کرد و درصدد اجراش بر آیند و هر قدر زودتر این قوانین که میگذرد بموقع اجرا گذاشته شود فرمودند . در باره این منافع چه جور ممکن است عمل کرد ؟ عرض کردم بمقیده بنده اشکالشان را تا اندازه میشود رفع کرد چون معلوم است هر کارخانه در ماه چقدر کار میکند چقدر مصرف دارد چقدر جنس لازم دارد در آن ماه حساب میکنند و ماههای دیگر بهمان تناسب ماه قبل ممکن است کم یا زیاد کرد و اگر يك پایه در يك ماه گرفته شد آوقت میشود کم و زیاد ماههای دیگر را هم روی همان پایه معین کرد و رفع اشکال میشود . در باب کار کردن اشکال کردند که اگر بنا باشد ۱۲ ساعت کار بکنند در عوض هشت ساعت اولاً ساعت کار هر قدر زیاد بشود عملشان بیشتر میشود اگر بنا باشد ساعت کار ۱۲ ساعت باشد استفاده شان هم زیادتر میشود کمتر بشود کمتر میشود هر قدر ساعت زیاد تر بشود البته دوازده درصد استفاده شان هم افزوده میشود البته از جهت دیگر هر قدر کارخانه بیشتر کار کند استفاده شان هم البته زیادتر میشود بنده هم اصراری ندارم که حتماً دوازده درصد کافی است چون در این موضوع يك مذاکرانی شد که این مقدار شاید کافی نباشد این نظر را بنده عرض کردم که وزارت پیشه و هنر يك دقت بیشتری درش بکند اگر تصدیق فرمودند که صدی دوازده کافی باشد آوقت همانطور که در قانون گذشته يك رسیدگی بشود این اندازه زیادتی هم بمردم تحمیل نشود اگر دوازده درصد را کم میدانند ممکن است قانونی بیاورند پیشنهاد اصلاحی بکنند صدی پانزده صدی بیست بکنند هر قدر که صلاح میدانند تعیین شود و عملی بشود و حقیقه چون امروز يك قسمت خود دولت در ترقی سطح زندگی مردم شريك است برای اینکه هر جنس که دست دولت میآید همه روزه قیمتش زیاد میشود خوب این اضافه قیمت البته موجب گرانی اجناس میشود و سطح زندگی را بالا میبرد الا آن يك مقداری به قیمت قند و شکر و سیگار و پارچه و غیر ذلك اضافه شده و روی هر جنسی

هر چند امروز يك چیزی اضافه میشود روی اجناسی که در دست خود دولت است يك چیزی اضافه میشود باجناس دیگران هم این اضافات میشود از آن طرف معاملات دست دوم که در کارهای دولتی است که این جنس را از دست اول میفروشد بدست دوم آوقت دست دوم دو برابر سه برابر از مردم میگیرد این است که حقیقه سطح زندگی را طوری کرده است که امروز حقیقه برای طبقات مردم زندگی مشکل شده و حقیقه طوری شده است که انسان واقعاً وقتی نگاه میکند باوضاع مردم می بیند که همه در کار زندگی خودشان وامانده شده اند بنده معتقدم يك قسمت از این مربوط بخود دولت است و دولت خودش باید قدری کمک بکند و مراعات بکنند و از آن اصولی که قرار داده اند برای سایرین طبق همان اصول ملاحظه کنند و اجناس را از روی همان اصول قیمت تعیین کند و بیشتر منافع ببرد بعد هم آن اجناسی که در انحصار دولت است يك قیمتی دولت معین کند اگر يك مراکزی آنها را دو برابر میفروشد چرا این اشخاصی که میفروشند اجازه فروش با آنها میدهند و چرا تعقیب نمیکنند حالا قند و شکر و غیر ذلك را فرض بفرمائید اشخاص دیگری میآوردند و میگویند بازرگانی آزاد است تجار می است و گران تر تمام میشود گران تر میفروشند ولی آن کارخانه سیکاری که مال خود دولت است و انحصار دولت است این را اگر اینطور میفروشند دو برابر سه برابر چرا اینها تعقیب و مجازات نمیشود این وضع نیست این جنس دولت است از دولت میخرد آوقت بمردم دو برابر سه برابر میفروشند برای چه ؟ بنده میخواهم از آقای وزیر تقاضا کنم که هم در قسمت اجناس دولتی و هم اجناس کارخانجات يك توجه مخصوصی بفرمائند تحت ترتیب و تنظیمی در بیاورند و اگر منافع آنها يك کم وزیادی دارد باید اینها را در قانون اصلاح بکنند که مردم از این اجحافات آسوده باشند و صاحبان کارخانه ها هم منافی که میخواهند ببرند ولی بیش از این بمردم زیاد روی و اجحاف نشود .

وزیر پیشه و هنر و بازرگانی - بنده در جلسه گذشته

هم بعرض مجلس شورای ملی رساندم که از بدو تصویب این قانون وزارت بازرگانی و پیشه و هنر مشغول تعقیب و نگاهداشتن مقررات قانون شده است ولی اگر يك توضیحی خدمتتان عرض کردم از لحاظ این بود که اجرائش فوق العاده کار سهلی بوده است و اگر تا بحال نتیجه قطعی از آن حاصل نشده بخواستم بگویم که چون از کارها نتیجه خوبی حاصل نشده است یا چون يك مشکلاتی هست و گرفتاری هست در اجرائش و یا چون صاحبان کارخانه ها و تجار میگویند دوازده درصد کم است و از این جهت دولت صرف نظر کرده یا وزارت بازرگانی منصرف شده یا کاری نکرده است؟ خیر همین امروز همین امروز يك هیئتی از وزارتخانه مرکب از اشخاص فنی، مهندسين و محاسبین حرکت کردند که بروند رسیدگی بکارخانجات و محاسبات آنها بکنند که در آن حدودی که ممکن است و مقداری را که بشود برای قیمت اجناس کارخانه در نظر گرفته معین کنند و اجرا کنند آن قانون را و عنقریب هم اجرا خواهد شد ولی این را باید در نظر بگیریم که يك مشکلاتی برای کارها هست و آن مشکلات را هم باید رفع کرد اما راجع به دوازده درصد که فرمودند امیدانم گویا که توجه بمتن تبصره فرموده اند این جا نوشته شده است که قیمت اجناس طوری معین شود و فروخته شود که در آخر سال وقتی که حساب مخارج و درآمدشان را ریختند مالیات ها را پرداخته بصاحبان سهام در هر صد تومان دوازده تومان بیشتر نرسد بنا بر این صاحبان سهام میگویند که اگر ما بیاییم و بیست و چهار ساعت کار کنیم ماشین هایمان بیشتر فرسوده میشود و لیکن آخر سال حد اعلی همان صدی دوازده را بما میدهید این طور در قانون نوشته شده که دوازده درصد را بحساب جریان سود و زیان بگذارید و اگر ماشین های خودشان را دو برابر بکار انداختند دو برابر محصول خواهند داشت و مثل این است که شما ماهی را دودفعه جریان انداخته اند و دو دوازده درصد عاید آنها شده ولی اگر بنا باشد دوازده درصد را به نسبت سرمایه در نظر بگیریم مصلحت آنها در این است که ماشین

ها را کمتر بحرکت بیندازند و البته حتی المقدور کمتر جنس تهیه کنند منتهی قیمت را زیاده تر ببرند تا نتیجه همان دوازده درصد برای شان حاصل شود آنچه که مجلس شورای ملی البته تصویب فرموده بنده هم باید آن را اجرا کنم مجلس شورای ملی اینطور فرموده بنده هم میکنم.

یکی از نمایندگان - بضرر.

وزیر پیشه و هنر - بضرر کی؟ بنا برین نتیجه را مطالعه میکنیم و بعد اصلاح میکنیم علی ای حال دست بآن قانون زده نشده است و در هر حال مطالعه میکنیم و بعد تصمیم میگیریم یا بموجب يك اصلاحی قانونی تصمیم میگیریم و بعد اصلاح میکنیم.

رئیس - آقای نقابت شما در ماده ۵ اجازه خواسته بودید؟
نقابت - بنده در ماده ۵ يك پیشنهادی داشتم حالا آقای وزیر پیشه و هنر تشریف دارند عرض میکنم این جا يك قانونی تصویب شد که تمام کارخانجات و شرکتها بیش از صدی ۱۲ نباشد و دولت هم مثل سایر کارخانجات و شرکتها عمل خواهد کرد و این ماده راجع بصدی ۱۲ باین مورد هم شمول دارد این را ایشان توضیح دادند و چون توضیح دادند البته مقصود بنده تأمین میشود زیرا توضیح دولت در ضمن تصویب يك قانون حکم تفسیر را دارد اگر اینطور است که عرضی ندارم و پیشنهاد خودم را مسترد میدانم و اگر غیر از این است که بعرض خودم باقی هستم.

رئیس - آقای دکتر سنگ -

دکتر سنگ - بعقیده بنده و شاید همه آقایان این عقیده را داشته باشند که تأسیس کارخانجات مخصوصاً در کشور ما برای آسایش عامه است و برای این بوده است که مردم اجناسی را که از آن کارخانجات بدست میآید ارزان تر برایشان تهیه شود چون این موضوع مسلم و معلوم است و هر کس بآن عقیده دارد در اینجا دیگر بحثی نیست و معین شد نفی که دولت یا سایر بازرگانان در این کارخانهها میبرند فرع بر این نظر است آقای وزیر پیشه و هنر هم سابقه دارند من برای تذکر عرض میکنم چون موضوع کارخانجات است

عرض میکنم که در بازرگانان دو کارخانه هست یکی کارخانه شاهی یکی کارخانه به شهر اجناسی که از کارخانه شاهی در می آید و بهره برداری میشود اینها را بوسیله بعضی از بازرگانان میآورد بطهران و بعد از طهران میبرند ببازرگانان در بابل و آمل و اشرف و ساری بفروش میرسانند ملاحظه فرمائید این چند دست می گردد و این کار اسباب زحمت و خسارت زیاد مردم این شهرستاها است که مواد اولیه که خودشان تهیه می کنند و میدهند این قسم آنها فروخته شود در صورتیکه آقا هم سابقه دارید استدعا میکنم در این خصوص توجهی فرمائید که سهمیه شهرستاهای بازرگانان از محصول و بهره برداری کارخانجات به شهر و شاهی بهتر تر نباشد که خودتان مقتضی میدانید در همان جا بخود آنها داده شود نه اینکه از آنجا بیاید بطهران و بعد از طهران برود بنا بر این و بمرمدم داده شود و قیمت متری چهار قران را چهارده قران بفروش برسانند ملاحظه فرمائید این چه ضرر هنگفتی برای اهالی بازرگانان دارد و آقایانی که سابقه دارند تصدیق می کنند عرض بنده را این است که استدعا میکنم در این خصوص توجه کاملی مبذول فرمائید.

وزیر بازرگانی و پیشه و هنر - بنده خواستم راجع

ببازر توزیع محصول مختصر توضیحی عرض کرده باشم اولاً کار توزیع محصول کارخانه ها در دست وزارت دارائی است و در بهمن ماه يك تصویب نامه صادر شده بود که وزارت دارائی یعنی اداره کل پخش بر گزار شود و هنوز هم بهمان قرار باقی است البته فرق نمی کند از لحاظ دولت که این کار مربوط بکدام وزارتخانه است اگر عیب و نقصی در یکی از دوائر دولتی دیده شود از لحاظ دولت علی السوی است که ابرادی بکار شده حاصل از وزارت بازرگانی باشد یا وزارت دارائی باشد ولی اکثر اشکالی که میشود و اعتراض میشود از این جهت است که میزان محصول کارخانه ها با اندازه احتیاج نیست و ناگزیر است دولت طرز جیره بندی را بمناسبت کمی جنس و محصول در تمام مملکت برقرار کند و دولت بهره کس هر چه میخواهد بدهد وانی اگر بنا باشد

که شما مطمئن بشوید که اجرای انتظارات تجار و مقداری که تقاضا دارند عملی شود عجمالتاً میسر و مقدور نیست و از این راه اختلافات زیاد میشود که کم دادند یا زیاد دادند.
دکتر سنگ - سهمیه میدهند اصلاً سهمیه آنها را باید بدهند بهشان.

وزیر بازرگانی و پیشه و هنر - درست است ولی اجازه فرمائید سهمیه را وقتی میشود قطعاً معین کرد چقدر است که جیره بندی شده باشد یا باید مال آنقدر فراهم شده باشد و موجود باشد که بهره کس هر مقداری که میخواهند بدهند مثلاً اگر کسی در بازرگانان تقاضا کرد که صد عدل سفید پارچه می خواهد یا پنجاه عدل چیت میخواهد و يك مقدار ململ یا فلان مقدار نخ امره ۲۰ یا فلان مقدار پارچه حریر اگر هر چه می خواهد بهش بدهند

دکتر سنگ - موضوع این نیست

وزیر بازرگانی و پیشه و هنر - اجازه فرمائید تا عرض کنم. اگر بنا باشد هر کس در سهم بندی هر چه که دلش میخواهد بهش بدهند این که سهم بندی نیست و مقدور نیست فعلاً اگر بنا باشد دولت بيك ترتیبی بخواهد این را ترتیب بندی و درجه بندی بکنند و بگویند با بازرگانان عشر این پارچه را بدهند یا مثلاً با سفهان دو خمس بدهند یا در سمنان فلان مقدار از هر جنس بدهند این البته جایش مجلس شورای ملی نیست که بنده بخواهم وقت آقایان را بگیرم. یعنی می فرمائید در هر جنس این کار را بکنند؟ یا به تناسب نفوس و اشخاص بدهند؟ یا به تناسب موجودی یا به تناسب آب و هوا بچه جور؟ مثلاً به تناسب افراد و اشخاص بدهند؟ مثلاً در اردبیل از سفید پارچه نیم عشر بدهند در بوشهر هم نیم عشر؟ این هم همیشه در اردبیل در عرض سال دو ماه بیشتر سفید پارچه نمی توانند بپوشند و در بوشهر در عرض سال سه ماه می توانند سفید پارچه بپوشند. اگر بخواهید به تناسب نفوس بگیرید یا به تناسب موجودی که از سابق چقدر بوده و چقدر حالا موجود است یا باین تناسب که يك جافنی شون یا يك جا ممکن است

پارچه را بیشتر داد یا کمتر يك جا سنگین قیمت میبوشند یا یکجا سبکتر این يك کاری نیست که بشود مثل ختوتل لکاربتم و ریاضی حسابش را کرد که نتیجه آن یکطوری در بیاید که بالنتیجه همه اسباب رضایتشان فراهم بشود بنده از حالا عرض میکنم که اینها هیچکدام شان مقدور نیست و اجرای انتظارات و توقعات تجار بطوری که در سالهای عادی و سالهای فراوانی و عادی مثل سالهای پس از جنگ بشود نخواهد شد چون حالا موقع سختی و تنگنا است و نمیشود بهمان ترتیب تأمین شود.

البته دولت آنچه که می توانسته است و تا حدی که مقدور بود کرده است نقص هم داشته است البته بنده تصدیق دارم هنوز هم نقصی دارد این را هم بنده تصدیق دارم صحیح است و البته نباید اینطور باشد که ما وسط سال که يك ذرع برف در فلان محل آمده است با آنچه سفید پارچه بفرستیم بلکه منظور دولت این است که يك طوری بکنیم که این قابل اجرا باشد می فرمائید عملی که تا بحال شده صحیح نبوده بنده هم تصدیق دارم یکی از مقاصدی که در تنظیم این ماده دولت داشته است همین بوده است که برای طرز جمع آوری محصول و تقسیم و توزیع آن برای مردم دیگر محتاج به آن مقررات باشیم که با مال بضرر دولت و مردم تمام شود و البته مقصود از این ماده هم همین بوده است.

جمعی از نمایندگان - کافی است مذاکرات

رئیس - آقای صفوی

صفوی - عرض کنم که ماده ۵ مربوط بکارخانه ها و اداره کردن امور کارخانها بر طبق اصول بازرگانی که اینجا پیش بینی شده و البته این يك ابهامی دارد و بعقیده بنده کارخانها را بایستی وزارت پیشه و هنر با يك طرز بهتر و توجه بیشتری اداره بکنند و طوری عمل بشود در کارخانها (مخصوصاً در کارخانهای دولتی که از شهر بور گذشته بدولت تعلق گرفته) که هزینه اش خیلی بیش از گنجایش خود آن کارخانه نباشد و محصولش هم بخوبی بدست بیاید با احتیاج کامل و احتیاج خیلی زیادی که بمحصول این کارخانها داریم و البته کم و بیش بعضی ها در درجه اول اهمیت است و بعضیها در درجه دوم اهمیت

است ولی متأسفانه امروز که راه دنیا بروی ما مسدود شده است بروی بازرگانی ما بسته شده و نمی توانیم احتیاجات خود ما را از خارج بیاوریم باید سعی کنیم از کارخانهائی که هست و در دست خودمان است بتوانیم محصولی که ما فوق آن می شود از این کارخانها بدست بیاوریم و احتیاجاتمان رفع بشود و هر چه بیشتر که بشود هزینه آنرا کم کنیم (صحیح است) بطوری که ملاحظه فرموده اند آقایان قیمت محصول تمام کارخانها ما از سال گذشته مثل سایر اجناس مان همه رو ترقی و تزیاد است مثلاً در جلسه گذشته قیمت حریر و کر بدوشین را این جا توضیح دادند که متری چهار تومان پنج تومان بود شاید حالا رسیده است بمتری ۱۲ تومان ۱۴ تومان از دو برابر هم بیشتر شده است همینطور سایر چیزها قیمت چیت های کارخانه های داخلی و پارچه های نخ را در سال گذشته ملاحظه فرمائید قیمتش چه بوده و امسال چقدر است معیناً با این ترقی قیمت در دسترس مردم نیست حالا طرز تقسیم آن چه بوده است بوسیله کوبن یا بطور دیگر و کدام بهتر است آیا طرز جیره بندی بهتر است یا طرز دیگری که مردم بطور عادلانه تقسیم شود این امر جدا گانه است ولی در هر حال مقصود ما این است که آن چه محصول میشود از يك کارخانه تولید بشود آن اندازه بدست بیاید نه اینکه کارخانه بصورت اداری اداره شود اگر يك اشخاص منتظر خدمتی هم در بعضی وزارتخانها هستند و با آنها هم بخوانند کار بدهند بفرستند بکارخانه به شهر یا چالوس یا سیمان که ماهی دوست تومان هم حقوق بگیرند یا در فلان کارخانه فلان قدر بگیرند شما هم کاری نداشته باشید آوقت با این ترتیب البته هزینه این کارخانه ها روز بروز زیاد تر میشود و نتیجه زیاد شدن هزینه این است که قیمت محصول آن هم بالا میرود و بالاخره پارچه متری ۴ قران و چهار قران و دهشاهی متری دو تومان و سه تومان هم بدست میآید و با این فقر و بیچارگی و بریشالی مردم يك کسی که دو متر چیت برای پیراهن یا احتیاجات دیگرش میخواهد باید لا اقل چهار ساعت پنج ساعت شش ساعت مهمل بشوند تازه هم جنس گیرش نمی آید پس باید حتی الامکان سعی کرد که هزینه کارخانه ها را حتی المقدور کم کنند و از صورت

اداری خارجش کنند مثل کارخانه های آزاد و کارخانه های ملی مثلاً ملاحظه فرمائید يك کارخانه که منتقل بدولت شده است بودجه اش را مقایسه فرمائید با يك کارخانه که در دست يك شرکت است آزاد است ملی است ملاحظه فرمائید که بودجه این کارخانه که در دست مردم است با بودجه کارخانه که در دست دولت است یکی است؟ محصول این دو کارخانه بودجه این دو کارخانه را با هم مقایسه کنید و بسنجید ملاحظه خواهید فرمود چقدر تفاوت دارد تا اندازه که باید صرفه جوئی در قسمت کارخانها بشود و دلسوزی هم شده است زیرا اگر ممکن است در ظرف ۸ ساعت در کارخانه گلیسیرین فلان مقدار گلیسیرین بدست بیاید نیامده است و حال آنکه اگر همین کارخانه را کس دیگر در دست داشته باشد یا مشابه آنرا ملاحظه خواهید فرمود بهره برداریش بیشتر و هزینه اش هم کمتر است نتیجه این میشود که مردم بایستی روز بروز بیشتر تحمل بشود و هزینه سطح زندگی مردم بالاتر برود و دولت هم وقتی که ملاحظه میکند می بیند يك جنس برای او گران تر تمام شده است بقیمت آن علاوه میکند مثلاً در روز دویز یک بر هر کیلو قند علاوه کردند خوب البته گفته میشود هزینه زیاد است مخارج و اینها زیاد شده است خوب آیا هزینه کارخانه قند هم زیاد شده است یعنی زیادتر از آنچه باید بشود شده است؟ مراتب دارد بالا میرود زیادتر از آن حدیکه ممکن است تصورش را کرد. آن مدتی که کارخانه متخصص کارخانه و مسئول کارخانه متوجه این نیست که اینجا يك جایی نیست که يك اشخاص بیکاره بنشینند و يك حقوقی بگیرند. البته يك اشخاصی هستند که خیلی هم خوب خدمت کرده اند بدولت و سوابق درخشانی هم دارند صحت عمل هم دارند ولی اگر اینها بی کار هستند امروز دلیل بر این نیست که ما آنها را امروز بکارخانه گلیسیرین یا کارخانه قند یا کارخانه سیمان تحمیل کنیم نتیجه اش چه میشود نتیجه این میشود که بودجه اش بالا میرود بودجه که بالا رفت قیمت محصول زیادتر میشود و تحمیل بر این مردم پریشان میشود. آقای وزیر پیشه و هنر اطلاع دارند که چندی قبل چند ماه قبل راجع بکارخانه به شهر بنده در کابینه قبل بود خدمتشان شرفیاب شدم و مذاکره شد که محصول این کارخانه بقدر

بودجه اش یعنی بقدر اجرت کارگرانی که در آنجا زحمت میکنند و کار میکنند محصولی که در میآید بقدر این بودجه نیست چرا اینطور شده البته معلوم است که همانطور که دولت خوب تاجری نیست شاید کارخانه نگهدار خوبی هم نیست و اگر دست يك اشخاص مطلع با سابقه که کارشان این است باشد مسلماً این اشخاص هم محصول را زیاد میکنند و هم هزینه را کم می کنند و هم بالاخره به بازار ارزاتر میاورند و از زیادی محصول آن هم بیشتر استفاده میشود. عرض میکنم یکی از تجار محترم آقای اعتبلی هم باینده بود خدمتشان شرفیاب بودیم صحبت کردیم که هم کارخانه به شهر را با دو برابر محصول فعلی من حاضر از دولت اجاره کنم و اگر ممکن است امانی عمل کنم حاضر اجاره کنم. بنده تصور میکنم الان کارخانه به شهر در سال نه تاده میلیون متر پارچه میدهد و دارای هزار و چهار صد دستگاه بافندگی است يك کارخانه پارچه بافی و ریسندگی دیگر هست که دارای صد و بیست دستگاه بافندگی است این کارخانه پنج میلیون متر پارچه میدهد این کارخانه در دست يك شرکت است و آن کارخانه در دست دولت است حالا مقایسه میفرمائید هزار و چهار صد دستگاه بافندگی با صد و بیست دستگاه آن پنج میلیون متر پارچه میدهد و این ده میلیون متر پارچه میدهد در صورتی که ماشینهایش هم بهیچوجه طرف مقایسه با ماشینهای کارخانه دولتی نیست اینها در نتیجه این است که شاید اشخاصی که اداره می کنند خیلی دلشان امیدوارند کارگر حقوقش را گرفته و پیش هم گرفته اشخاصی که در کارخانه کار میکنند حقوق و مدمعاششان را گرفته اند اشخاصی که در کارخانه کار کرده اند اضافه مواجبشان را گرفته مدمعاش گرفته اند میگویند کارشده شد نشد انکار کارخانه مقوا سازی کرج در دست آقایان بود آقایان و پارسا است امکان ندارد که بگذارند از آن حقوقی که میدهند کمتر کار کنند امکان ندارد (مشیردوانی - همین کارخانه الان صد تومان صد و هفت تومان منافع داده است) ملاحظه فرمائید اینطور است آقا وقتی که در دست اشخاص باشد از استفاده می کنند بنده در این قسمت مذاکره کردم و پیشنهائی هم شده بود فرمودند مقتضی نیست و در

نظر ایست که ما کارخانه‌ها را واگذار کنیم با فروشیم البته صحبت فروش و واگذاری نبود صحبت سر این بود که از این کارخانجات بیشتر استفاده شود و آن شخص هم حالا البته نظر نداشت و کنار رفت بنده هم چون این قسمت مطرح بود خواستم يك تذکری داده باشم ما احتیاج خیلی زیادی به محصول این کارخانه‌ها داریم باید اینها را از حدود اداری و بودجه خارج کرد و اگر حقیقهٔ یکسری کتھائی و يك اشخاص با اعتباری آمداد و پیشنه‌ها دادند خواستند اجاره کنند بر فرض کارخانه گلسیرین را آمداند و تضمین هم داده‌اند سه ساله چهارساله پنجساله این پیشنه‌های را که میدهند با طرز عملی که امروز کارخانه دارد صرفه‌اش بیشتر است و محصول هم بیشتر میدهد باینحال اگر چنانچه اینها را بیک اشخاص با اعتباری اجاره بدهند که آنها اداره بکنند این کسری برای دولت نیست که بدولت بر بخورد که نتوانسته است مثلاً کارخانه حریر بافی را اداره کند بخیر دولت که حریر باف ایست بنا بر این اگر این فکر نباشد که حتماً کارخانه‌های ما در دست دولت باشد و با بودجه دولت اداره شود و يك اداره مخصوص در وزارت پدشه و هنر برای اداره کارخانجات باشد و همینطور هر روزه گرفتاری و اشکال و شکایت مبردم بلند باشد بالاخره باید سعی کرد در کارخانجاتی که در شهر یورماه گذشته بدست دولت افتاده است آنچه که میشود از محصول بیشتر گرفت چون ما احتیاج مبرم به محصول این کارخانجات داریم علاوه باید کاری کنیم که از حیث قیمت هم ترقی بدهیم خرجش را هم حتی الامکان تنزل بدهیم که قیمت جنس پالین بیاید مثلاً سیگار هما اشنو که دو قران میفروختند در بازار آزاد بقیمت‌های خیلی زیادتر بفروش می‌رود در هر صورت به‌طور قاچاق می‌خرند و می‌آوردند همینطور ترقی می‌کنند و هر روز زندگانی سخت تر میشود به قیمت چیت علاوه میشود جوراب علاوه میشود پارچه علاوه میشود قند و شکر و همینطور براج اینها را فکر کنید اگر خدای نخواسته این وضعیت تا یکسال دیگر دو سال دیگر ادامه داشته باشد مردم بکلی از بین می‌روند اول طبقات ضعیف تر

و همینطور سایر طبقات بنا بر این باید یکطورری کرد که سطح زندگانی از این بالاتر نرود و حتی المقدور هزینه کارخانجات را کمتر کنیم و محصول را زیادتر کنیم که در نتیجه از این بالا رفتن سطح زندگی جلو گیری شود.

وزیر پدشه و هنر - فرمایشات آقای صفوی چند قسمت بود یکی اینکه سعی کنیم که حتی المقدور با يك وسائلی مخارج بهره برداری کارخانه‌ها پالین بیاید و قیمتش ارزاتر شود از لحاظ این ماده بنده باید عرض کنم که مصادره بر مطلوب است و جنابعالی با توضیحاتی که فرمودید تصور می‌کنم موافقت دارید با این ماده که بنده هم برای همین مقصود آوردم چون در حال حاضر طرز اداره این کارخانجات اینطور است ازان رئیسش گرفته تا آخرین جزو کارگرس هر مبلغ که میخواهند حقوق برایش بردارند یا اجرت بدهند باو باید تمام این دوره قمری را از حیث مقررات استخدامی و تقاعد کشوری و دایره تقاعد و حواله صادر کردن و تطبیق حوالجات رفتن که به بینند تسجیل میشود یا نه امروز بکنفر را که میخواهند استخدام کنند بایستی شش ماه طول بکشد و این شخص معطل بشود تازه بعد از این مدت موقع آن کار گذشته است و از بین رفته است اینکه جنابعالی میفرمائید يك نفر تاجر میتواند اداره کند بنده هم تصدیق می‌کنم و همانطور که فرمودید مؤسسات دولتی امور تجارتی را نمیتوانند اداره کنند بنده هم تردید ندارم بنا بر این این مطلب را باید حل کرد که آنچه صلاح دولت اینست که تمام این کارخانه‌ها را بنا بر این اصل اساسی از دست بدهد و بفروشد (یکی از نمایندگان - خیر صلاح ایست) اگر صلاح ایست که ما بایستی این حرف را تکرار کنیم چون تشخیص شده است که موقع مناسب ایست برای این کار اما در مرحله دوم این تاجر که خوب اداره میکند در نتیجه دو اصل و رعایت دو اصل است که خوب اداره میکند یکی اینکه خیلی‌هاشان به مضیهاشان مردمان مقتصدی هستند يك پوست نخستی میگذارند آنجا دوزانو هم می‌شینند کار میکنند گاهی هم يك چای و غلیبای صرف میکنند اگر

این جور میخواهید اداره کنید که عرض می‌کنم نه بنده نه هیچکس و نه هیچ وزیر پدشه و هنری نمیتواند این کار را بکند يك جور دیگر این است که آن خریدار را تا بتواند میدوشند مثل يك لیموئی که در دست فشار میدهند تا میتوانند میدوشند وقتی که دیدند دیگر فایده ندارد در کارخانه را می‌بندد میفرمائید که دولت هم همین کار را بکند و یکی از این دو عمل را بکنند اینکه میفرمائید در خرج سرفه جوئی میکنند صحیح است ولی بدشتر علتش این است که به بنده چند مردم بفروشد و چقدر از مردم بگیرد این جنس را بنا بر این گمان نمی‌کنم در يك همچو موقعی که خودتان فریاد می‌کنید گران شده است و چه شده است مقتضی باشد که دولت بیاید جلوی اینها را هم بگیرد و به بنده بدهد بدست پهلوان از حیث اینکه ممکن است یکی از آقایان تاجر نظرش بر این باشد که این کارخانه را بمن بدهید دو برابر این محصول فایده میدهم ولی از دو راه یکی از این راه که فریاد بدولت خواهد گفت که آقا بیائید هر چه کارخانه بنده دارید بمن بدهید می‌آید می‌گوید آقا هر قدر شما در محل براج یا گندم تهیه می‌کنید جوازش را بدهید من بخرم برای اینکه باشما شريك المالم برای اینکه اگر این عمل را نکنید ضرر می‌کنم آنوقت می‌گوید دولت باید تمام قوای خودش را بکار ببرد که در اطراف این کارخانجات مگس هم پر از این جور ها اگر میفرمائید بشود بنده گمان نمی‌کنم صلاح باشد پس چرا بدست دیگری بدهیم؟ دولت در خیلی از موارد ناچار است که يك احتکاری بکند اگر دولت ابراش یا سیلوش بر باشد از غله کسی عملاً احتکار نخواهد کرد و دنبال این کار نمیرود اما دولت بیاید و تمام اسلحه‌اش را بدهد دست طرف آنوقت با او با وعظ و موعظه عمل کند اینکه بجائی نمیرسد اما از لحاظ سیگار با سایر مصارف البته هیچ دولتی معتقد به عصمت ایست که آنچه مریکب شده است خبط و خطائی نکرده است آقایان تصدیق میفرمائید الان این کارخانه که در دست دولت است در تحت نظارت مجلس شورای ملی و لااقل ۱۳۶ نفر است حالا جرالد را دیگر نمی‌خواهم

بگویم آقایان بجزئیات میتوانند برسند تا اقر و ققط میرش را هم میتوانند بیرون بکشند اما وقتی که دست اشخاص شد آنوقت ملاحظه فرمائید چه میشود آقای بیات میفرمائید که يك قانونی از مجلس شورای ملی هم گذشته و ما از لحاظ سایر جنبه‌هاش ناچار بودیم با احتیاط پیش برویم بنا بر این اگر فرمائید داشتن این کارخانه‌ها از طرف دولت خوب ایست این بنظر بنده مطابق مقتضیات فعلی ایست ولی اگر میفرمائید بهتر میشود اداره کرد این را بنده قبول دارم ولی یکی از راههایش این است که آقایان اجازه فرمائید توضیح بدهم مقصود این است که هر کارخانه يك هیئت مدیره مستقلی داشته باشد باین معنی که اگر احتیاج پیدا کرد به اینکه دید این کارگرس خوب کار کرد از صندوقش دو تومان بگیرد و باو پاداش بدهد و اگر کار بد کرد فوری بتواند بیرون بکند نه اینکه هر روز محاکمه اداری بخوانند که ماهشت نفر مدیر کل بفرستیم که او را محاکمه کند که بر طبق مقررات تشخیص بدهند که این مستخدم قابل توبیخ است یا ایست (صحیح است) طرز عمل را هم باید يك سرمایه در اول سال بنویسد بودجه بنویسد بتصویب برسد در ضمن عمل هم برایش قرار بدهند که اگر با این بودجه این برنامه را بعمل آورد البته وظیفه‌اش را انجام داده و مورد توجه خواهد بود و اگر توانست با خرج کمتر همان نتیجه را بگیرد یا با همان خرج نتیجه بیشتری بگیرد وسیله این باشد که يك قسمت بیشتری از درآمدی که از این کارخانه تهیه شده است میتواند بدهد بسایر کارکن‌های دیگری که در اینجا مشغول کار هستند این يك چیزی است يك صورت پیش بینی است که در آن واحد هم مالکیت کارخانه از دولت سلب نشده است هم اینکه این هیئت مدیره این کار را از خودش خواهد دانست و بهتر اداره خواهد کرد اگر اشخاص بی‌جائی را خواست وزارت مالیه بهش تحمیل کند که اینها منتظر خدمت هستند بگویند آقا من لازم ندارم این يك عضوی است که می‌آید اینجا می‌نشیند و يك حقوقی می‌گیرد آن وقت در آخر سال از آن حق‌الزحمه که برای من از منافع

اضافی ملحوظ شده است محروم میمانم بنا بر این خودش از اینکارها و خرجهای اضافی جلوگیری میکند و این خودش يك قدمی است که برداشته شده است .

رئیس - آقای اوار .

الوار - در این جا راجع به این ماده در کمیسیون بودجه مفصل صحبت شد در اطرافش خیلی خیلی برای همین مسائلی که آقای صفوی بیان کردند و آقای وزیر بیان کردند اساساً گفتیم که این کار خاجات بدست مردم باشد بهتر است ولی موقع برای این کار نیست در این موقع که ما دیدیم بعضی چیزها که از انحصار بیرون آمد مردم تخطی کردند و حقیقتاً کارند که مثلاً برنج را انحصارش را برداشتند ملاحظه بفرمائید بکجا رسید وضعیت این مردم را دگرگون کردند از این نقطه نظر توقع داشتیم که دولت متوجه داشته باشد و عاجلاً دست خود دولت باشد برای اینکه با وضعیت که ما دیدیم اگر این کار خاجات را بدست آنها بدهیم بطوری سوء استفاده میکنند که بکلی نابودش میکنند که دیگر دست هیچکس نمیرسد شما ملاحظه بفرمائید این کار خاجاتی که الآن هست بکمر تبه ملاحظه بفرمائید يك انومبیلی میاورد پیش کش میکنند برای خاطر اینکه اود جا فلاقدر تحمیل کنند به لباس مدارس بنده نمیخواهم مطالب را بگویم اینها هست آقایان تصدیق بفرمائید که باین اوضاع کار خاجات دست دولت باشد و مجلس شورای ملی کاملاً متوجه باشد و تحت نظر بگیرد بهتر است تا اینکه ما بیائیم ب مردم واگذار کنیم خوب بندا اگر رشد سیاسی پیدا کردیم و حب و محبت در ما ایجاد شد آنوقت میفروشیم چیزی که بنده را وادار کرد سوال کنم در کمیسیون هم عرض کردم که در موضوع کارخانه حریر بافی يك مسئله فوق العاده با اهمیتی گفته شد نه شما جواب دادید نه آقای وزیر مالیه جواب دادند و آن مسئله ایست که دوست و هشتاد هزار تومان در کارخانه حریر بافی از بین رفته است اشخاصی هم دست اندر کار بوده اند چون بنده نمی خواهم اسامی اشخاص را ببرم ما بوزارت دارائی گفتیم آقا دوست و

هفتاد یا دوست و هشتاد هزار تومان این چه شده است ؟ این مطلب جوابش داده شد این است که آنوقت در مجلس سرو صدا بلند میشود برای کارخانه ها برای اینکه این طور موارد را دیده اند و مطلع شده اند نسبت بکارخانه ها و مصیبتی شده اند که در کارخانه حریر بافی چطور می شود که يك چنین چیزی واقع شود که حاجی قیسری و حاجی فلان واسطه اش بوده اند دوست و هشتاد هزار تومان از بین رفته است شما تحقیق کنید تعقیب کنید به بینید چه شده است و طوری کنید که دیگر این ترتیبات واقع نشود .

وزیر پیشه و هنر - بنده خواستم راجع بسوالی که فرمودند توضیح عرض کنم که در همان موقع هم که این موضوع در مجلس شورای ملی طرح شده بود در وزارت بازرگانی و پیشه و هنر اقدام شده بود و یکمیدیه فرستاده بود با اشکال کار در این بود البته پول نقد که از بین برفته بود صحبت سر تطبیق موجودی بود با آن مقداری که بایستی باشد این طور بود که گفتند يك مبلغی کسر آمده است باین مناسبت یکی از وجباتی که ما را وادار کرد که يك چنین ماده پنج را تقدیم کنیم این بود که وضع کار خاجات کارخانه ها بوضع محاسبات بانکها باشد که دو طرفه باشد که قابل تفتیش باشد و بدانند مادامیکه چیزی در یکطرف حساب میشود در طرف دیگر ثبت نشده این حساب باز است و قابل هر گونه ایراد و خلل است مقصود این است که اینطور حسابداری کارخانه ها هم بترتیب حسابداری بانکها باشد که دیگر اینطور اشکالات پیش نیاید چون حسابش مرتب نبود نسبت بهمان کارخانه کلسیرین و سایرین ناچار شدیم يك میسیون از بانک ملی دعوت کردیم که از پالین بگیرند و بروند جلو و به بینند وضع حساب چه شکلی است و به بینند که الان موجودی کارخانه چیست و بعد بترتیب بحساب پرداختهای چندین ساله رجوع کنند و بینند مواد اولیه چقدر خریداری شده است و بعد به بینند که چقدر مصرف شده است و بعد بحساب متخصصین نگاه کنند و به بینند که از فلان مقدار پنبه چه مقدار چیت در می آید یا از فلان روغن چقدر صابون بعمل می آید یا از فلان مقدار

ایریشم چقدر حریر این حساب تصدیق میفرمائید که يك حساب تخمینی است و ممکن است یکقدری کمتر در بیاید یا يك خرده بیشتر وقتی که این حساب را در کارخانه چالوس کردند يك مقدار کسر آمد ولی در نتیجه مراجعه بمتخصصین آنها گفتند همیشه يك مقدار افت را باید در نظر گرفت البته در میزان این افت اختلاف نظر بود ولی کمیسیون که سه چهار روز قبل آمده و يك راپرتی داده است که مطابق نظر قضائی آن اشخاصی که در آنجا بودند و در کار دخیل بوده اند تعقیب شده اند و دوسیه شان هم بدیوان کیفر رفته است .

جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی است .

رئیس - رأی میگیریم بکفایت مذاکرات آقایانیکه مذاکرات را کافی میدانند قیام فرمایند (اغلب برخاستند) تصویب شد .

پیشنهاد آقای بیات :

قسمت اول ماده پنج را بشرح زیر اصلاح و پیشنهاد مینماید .

ماده ۵ دولت مکلف است کلیه کارخانه و بنکاهای معدنی و صنعتی و بازرگانی و کشاورزی را طبق اصول بازرگانی اداره و بهره برداری نماید .

بیات - بنده این پیشنهاد را کردم و آقای وزیر پیشه و هنر هم قبول فرمودند و اظهار فرمودند که فکر خود ایشان همین است که کلیه این بصورت تجارتهی و بازرگانی بیرون بیاید و از صورت اداری خارج شود ایشان اظهار کردند تدریجی در این کار عمل میشود که بتدریج این عمل بشود حالا اگر خود ایشان قبول بفرمایند که این کار بشود و عملی بشود بنده اصراری ندارم و اظهار این است که این کار عملی بشود و اگر در عبارت پیشنهاد هم بخواهند اصلاحی بشود و بنویسند بتدریج این کار عملی شود و کلمه بتدریج گذاشته شود البته هم موافقم در هر حال باید در نظر داشته باشد که در امسال یا بعد این نظر عملی شود و از اداره دولت خارج شده باشد و بتدریج بازرگانی عمل کنند و این بسته بنظر آقای وزیر پیشه و هنر و بازرگانی است که توضیح بفرمایند

که بچه ترتیب میتوانند عمل کنند که این منظور عملی شود .

وزیر پیشه و هنر - پیشنهادی که آقای بیات فرمودند اینرا ما کاملاً در نظر گرفته ایم و در قسمت کارمندان هم همین عمل را میکنیم .

پیشنهاد آقای فرمانفرمایان :

ماده پنجم را چنین پیشنهاد مینماید :

دولت مکلف است کلیه امور مربوط بکار خاجات دولتی را در تحت سرپرستی مستقیم يك اداره فنی که از مهندسين دیپلومه و متخصص در امور همین کارخانه ها باشند باضمم يك عده از بازرگانان که عضویت اطاقهای تجارتهی شهرهای زیر را داشته اند . تبریز - مشهد - شیراز - اصفهان بگذارند که بطور مستقل و مستقیم امور کار خاجات را اداره نمایند . آئین نامه مربوط باصول اداره کردن کار خاجات را وزارت دارائی و پیشه و هنر تنظیم خواهند داشت .

هر يك از کارخانه های وزارت جنگ الی آخر ماده

فرمانفرمایان - البته آقای وزیر پیشه و هنر تصدیق خواهند فرمود که ما نظارمان روی مباحثه و مشاجره در مطالب بوده و البته نظر خاصی هم نداریم ولی این مسئله البته محرز و مسلم است که از هر کسی که يك فهم رایج ساده عادی داشته باشد از او پرسند که وضعیت کار خاجات چطور است همه تکذیب میکنند و میگویند این وضعیت خوب نیست برای اینکه امثال این کار خاجات را اداره هم اداره میکنند و در حقیقت طرز اداره این کار خاجات دارای يك نقائص است که این ماده آنها را برطرف نمیکند و تأمین نمیکند از این جهت بنده این پیشنهاد را کردم عرض میکنم برای چند پارچه خالصجاتی که از قدیم در اطراف تهران بود در ازمنه سابق سی سال قبل برای اداره کردن کار خاجات اطراف طهران مستشار از بلژیک آوردند از امریکا آوردند قوانین خاصی قائل شدند حالا برای این که این کار خاجات جزء اموال دولت است و باید بيك صورت بهتر و با صرفه تری اداره شود این کار خاجات را بنده

نمیدانم چه قدر ارزش دارد خیال میکنم دست کم صد میلیون ارزش دارد و این اموال مال این مردم و مال این ملت است و بنده در پیشنهاد خودم هم عرض کردم که امور مربوط بکارخانجات دولتی را در تحت سرپرستی مستقیم يك اداره فنی که يك عده متخصصین فنی در امور کارخانه باشند بااضام عده از بازرگانان که بطور مستقیم و مستقل امور کارخانجات را اداره نمایند اگر ما در این جا این قید را نکنیم و اگر قابل توجه آقایان نمایندگان واقع نشود باز هم این جزو کارگزینی و پرسنل و تمام آن شعباتی که در وزارتخانهها هست میشود یکی يك مأموری میفرستند که فلان کار را بکند یا يك لیسانسیه یا يك دکتر در حقوق بآنجا میفرستند چه مانعی دارد؟ بایستی این بنگاه يك بنگاه مستقلی باشد یعنی کلیه کارخانجات باید تحت نظر و سرپرستی يك اداره مستقلی باشد که مکلف باشد وزارت پیشه و هنر اشخاص متخصص در امور کارخانهها و مهندسیان را با بازرگانان متخصص بکار آنجا بگمارد و این بفتح کارخانجات ما و بفتح مملکت و برای طرز تقسیم و توزیع عادلانه فرآورده های ما است ما اینجا آقا دو درد داریم یکی اینکه خوب اداره نمیشود کارخانه های ما یکی هم اینکه توزیع محصول کارخانه های ما بقدری بصورت غلط درآمده است که حد ندارد بنده آن روز عرض کردم خدمت آقای وزیر پیشه و هنر مثلاً راجع به نخ کارخانه شاهي شما نخ کارخانه شاهي را که فرآورده کارخانه دولتی است بيك اشخاص در آنجا واگذار کرده اند از قرار بقیچه ای ۲۲ تومان ۲۵ تومان و در بازار آزاد آن نخ را میفروشند از قرار هر بقیچه ۶۰ تومان ۷۰ تومان آوقت جاهائی که احتیاج باین نخ دارند مخصوصاً در آذربایجان (که به بنده تلگرافی کرده بود و چندی قبل هم تلگرافشان را خدمتتان نشان دادم) آنها مجبور میشوند این بقیچه نخ را باین قیمت گزاف بخرند و یکی دیگر از توزیع نخ شاهي استفاده میکنند در صورتیکه این برای استفاده نیست این را باید داد بکارخانه چي که بتواند کارخانه را اداره کند ملاحظه بفرمائید آقایان همه يك يك يك موضوعاتی را يك

معاینی را توضیح میدهند تذکر میدهند ولی وقتی آقایانجا توضیحات میفرمایند در اصل موضوع وارد نمیشود و کلیاتی می فرمایند بنده هم تصدیق میکنم مثلاً آقا میگویند بگیریم بدهیم بدست بازرگانان؟ هیچوقت نکفتیم ما گفتیم خودتان اداره کنید اما بطور صحیح البته امروز روزی است که خود آقایان باید اداره کنند ولی نه این جور که در این سنوات اداره شده است بلکه باید بطرز صحیح و علمی باشد بنده اطلاع دارم که در يك جائی که لازم بوده است يك متخصص گذارده شود برداشته اند او را و بيك دکتر در حقوق را گذاشته اند سر جایش البته این شخص را می شناسم آدم خوبی است ولی بدر این کار می خورد این تریبی را که پیش گرفته اند اداره نمیشود کار آقا با این ضیعی که گرفته است بحاری ادارات شمارا این تریب خوب نیست و اداره نمیشود اگر يك کارخانه احتیاج دارد بيك من سریشم یا پنج من چیز دیگر این کارخانه باید قطعاً ده هزار تومان ضرر بکند صد هزار تومان محصولات شما آنجا بماند تا اینکه اداره کارپردازي شما این کار را بکند. شما خیال میکنید که امروز کارخانه نخ ریسی شما یا کارخانجات دیگری که در تحت سرپرستی وزارت پیشه و هنر است مثل کارخانه خسروئی تبریز اداره میشود؟ خوب هزار بار بدتر است ولی این را نباید گفت که آنها لیمو را گرفته اند در دست و فشار آورده اند تا آخرین قطره. خیر شما کارخانهها را خوب اداره بکنید اما خوب اداره نمیشود و کبیر می آورد و میخورد شما هم خبر ندارید دست بازی در کار دارید و اگر هم کسر آورد چه می کنند؟ می آیند و از شما می خواهند و شما هم می آئید در بودجه می نویسد برای ما پنجاه میلیون ریال لازم است ما هم رأی میدهم بدون اینکه بدانیم این پنجاه میلیون ریال برای چیست؟ آیا کارخانه ضرر کرده است یا نظر توسعه کارخانه را دارید؟ مثلاً در موضوع سیگار این جا مگر این مسئله گفته شد هیچیک از آقایان وزراء حاضر نشدند بيك جواب صریح و معنی بدهند که چرا باینکه قسمت اعظم نون محصول اختصاصی خود دولت است و از املاک اختصاصی گران می آید چه طور شده

که يك قوطی سیگار که دو قران قیمتش بوده است حالا رسیده است به پنج قران البته بيك تفاوت هائی بوده است. فرض بفرمائید که شما می فرمائید بيك نفر بازرگان این کار را کرده او زحمت می کشد و این فایده را میبرد ولی در این جا اینطور نیست و از روی عدم استحقاق میرسد مردم در فشار هستند آقا مردم در فشارند اگر آقا بفرمائید و تضمین کنید که خیر اینها همه جزو بودجه دولت میشود خوب باز ماحرفی نداریم مال ملت است شما عمل می آورید گران تر هم میفروشید بسیار خوب باز عایداتش ولو گران هم بفرروشید می آید بجهیب دولت دو مرتبه بر میگردد بصندوق دولت کسی در این خصوص حرفی ندارد ولی مامی بینیم که شما بيك اجناسی را عمل می آورید مثل نخ شاهي که عرض کردم فلان کارخانه تبریز که نخ می خواهد شما نخ را داده اید بقیچه ۲۲ تومان و صاحب آن کارخانه برای تهیه نخ باید این در و آن در بزند و هر بقیچه را ۶۰ تومان ۷۰ تومان یا بیشتر تهیه بکند همان نخ را که شما بقیچه ۲۲ تومان میفروشید خوب آخر چرا؟ این چه طرز تقسیم است؟ باید این را ما بفهمیم اگر در این مورد این بیانات را نکنیم آقای وزیر پیشه و هنر پس کی باید بکنیم؟ اگر نکنیم از دو صورت خارج نیست یا این است که چشم بندی فرمودید یا این است که ما فهمیدیم از این دو حال که خارج نیست این که بنده در جلسه گذشته عرض کردم و حالا هم پیشنهاد کردم نظرم از این پیشنهاد (البته این پیشنهاد بنده مکمل نیست) فقط نظرم از این پیشنهاد این است که شمارا و ادار کنیم که فکر کنید در این موضوع مشورت کنید با بيك اشخاصی و بيك پیشنهاد کامل و جامعی بیاورید و الا این ماده که در ضمن سه سطر نوشته اید که هر يك از کارخانهها و بنگاه های معدنی و صنعتی و بازرگانی و کشاورزی دولت طبق اصول بازرگانی اداره شود این کافی نیست کلمه بازرگانی بيك کلمه کشداری است این تأمین نمی کند آقا منظور را معادن باید بيك شکل دیگر اداره شود بنگاه های کشاورزی بيك شکل دیگر همه اینها بصورت بازرگانی؟ آوقت رئیس همه این قسمت ها کی بشود؟ بنده بشوم؟ بنده که نمی دانم و

نمی توانم اداره کنم. این يك کلمه کش داری است که هیچ معنی و مفهومی ندارد پس تأمین دارم آقا مساعدت بفرمائید و این ماده را مسترد بدارند و راضی شوند که باین ماده سه سطری در مجلس رأی داده شود بلکه بطور تکمیل بجای این سه سطر بيك لایحه تنظیم کنند و بمجلس بیاورند تا تکلیف کارخانجات معلوم شود (صحیح است)

وزیر بازرگانی و پیشه و هنر - بنده اول باید خدمت آقایان عرض کنم که از طرفداران دسته پرفکسیون لیستیم که بگذاریم بيك کاری را اینقدر درس معالجه بکنیم تا وقتی که رسیدیم بيك نقطه که تمام ائمه هم اگر بيك جا حاضر بشوند بآن مسلح بنویسند که دیگر باین هیچ خدشه و سوسه نمیشود وارد آورد آوقت وارد در آن موضوع بشویم بنده اهل این دسته از اشخاص لیستیم. بنده پنج شش ماه است در این وزارتخانه خدمتگذار هستم و بشهادت کلیه همکاران خودم و آقایانی که در خارج هستند تصور میکنم که خیلی کمتر از آن مدتی که عقلاً بکنفر ممکن است خواب و راحت خودش را حرام بکند برای انجام آن وظیفه که دارد کار کرده باشیم و تصور میکنیم که بیشتر از این هم نمیشود فکر کرد و کار کرد و بنده آنچه که ممکن بوده سعی کرده ام و فکر کرده ام این را قبول بفرمائید (صحیح است) حالا اگر مو کول شود باینکه تمام عیوب متصوره دریا در وضع اداره فعلی کارخانهها موجود باشد و حضرت والا هم اصرار بفرمایند آن را بیشتر بکنند بنده هم تأیید بکنم بنظر بنده این دلیل بر این است که باید هر چه زود تر فکر کنیم که بيك صورت بهتری درستش کنیم و اصلاح کنیم نه بمنوان اینکه بيك چیز کاملی بیاوریم این را مسترد کنیم و کارخانهها هم بیفتند. جناب عالی میفرمائید که همه کارخانهها را تحت نظر بيك عده بگیریم و حتماً این کار را بکنیم بعد هم ایراد میفرمائید که چرا مهندسی را که نمیدانم بنده کرده ام یا بيك کس دیگر چرا او را از فلان کارخانه برداشته اند و دکتر در حقوق جایش گذاشته اند باینکه می فرمائید چه باید کرد؟ باید کسی که مهندس متخصص برق است بگذارند

در کارخانه کنسرو بندر عباس که آنجا را اداره کنند ؟ اگر با این اشخاص که میفرمائید يك هیئت مدیره واحد برای تمام کارخانههای دولتی قائل بشویم یا باید بگوئیم هیچکدام در هیچ کار متخصص نباشند و بنده بروم اداره کنم یا اینکه همه ارباب فن را در آنجا جمع بکنیم یعنی در هر قسمتی ارباب فن باید رأی بدهند این قضیه درست مثل آن ایرادی بود که آقای اوار کردند در کمیسیون که يك عده نشستند دور هم در دانشگاه ورأی دادند برای همدیگر که استادند يك معلمی که خودش رشته اش فیزیک بوده نشسته برای آن یکی که رشته اش ادبیات بوده رأی داده و هکذا این جا هم همینطور میشود مثلاً آن کسی که متخصص در فن پارچه بافی است بنشیند و راجع بکنسرو تصمیم بگیرد راجع بسیمان هم تصمیم بگیرد ؟ کسی که رفته است در رشته کلیسری سازی متخصص شده است او اهل این نیست که بخواهد در آن هیئت نسبت بکارخانه حریر بافی چالوس هم تصمیم بگیرد این که يك قسمتش ، قسمت دیگر میفرمایند تجار را دخالت بدهید در آنجا بنده که اینطور رأی اکثریت قریب بانفای مجلس را می بینم که نظراتشان اینطور است که می خواهند سرمایه شان را تجار بزرگ در این کارخانه ها و در ادارات کارخانجات شرکت کنند (صحیح است) بهر حال عملی نیست این پیشنهاد آقا که میفرمائید تمام اداره کارخانه ها را تحت سرپرستی يك اداره فنی قرار بدهیم یا اینکه بازرگانان را شرکت بدهیم که برای ما کارخانه اداره کنند ، عرض کردم عملی نیست ، ما تمام این معایبی که جنابعالی فرمودید بر خوردیم آن کارگزینی و کارپردازی که فرمودید همه اینها بر خوردیم و مقصودمان هم این بود که با این ماده يك اجازه بگیریم که دیگر آنها نتوانند وارد شوند و يك عده مهمی که حتی المقدور سعی خواهد شد متخصص در آنها کارخانه باشند بدست آنها بدهیم و خوب و بدش را هم از چشم آنها به بینیم يك کارخانه بدست آنها داده میشود در آخر سال هم هر چه ممکن است تقشیش بشود به بیلان شان رسیدگی شود به بینید تجاوز کرده اند از اختیارات شان یا بوظایف شان

از این کارخانه ها کارخانه سمنت است سمنتی که از خارجه وارد میشود سابقاً از انگلستان یا چکوسلواکی می آمد در حدود ۵۷-۵۸ شیلینگك بیشتر وارد نمی شد در حدود سه ابره و با بول امروز مادر حدود سی تومان چهل تومان این را چقدر می فروخته هفتاد هشتاد تومان و بمقاطعه کارها ۶۰ تومان شاید حالا هم خیلی بیش از اینها بدهند وقتی که شما نگاه کنید بقیمت و دخل و خرج این کارخانه سمنت ملاحظه خواهید کرد که ۶ میلیون و کسری این کارخانه عایدش است اما سه میلیون مخارجش است خوب چه طور شده است که شش میلیون دخلش است برای این است که هر کدام را سه برابر قیمت های سایر جاهای دیگر می فروشد ، این کارخانه ها يك شاهی فایده ندارند این کارخانجات بيك جهانی آمد و در این مملکت ساخته شد بلكه عدده دلالتی که باین مملکت آمده بودند کارخانه های باین مملکت فروخته هر چه داشتند فروختند بعد برای اینکه این کارخانه ها نفع بکنند آمدند يك باربر یعنی يك سد گمر کی درست کردند که جنس خارجی نیاید بکشور ملاحظه فرمائید اگر این باربر و این سد گمر کی را بردارند خواهید دید که این کارخانه ها ابدأ صرف می کنند ولی از طرف دیگر امروز مقتضیات ملوری است که ایجاب می کند که باید این کارخانه ها را داشت بهره برداری کرد و برای اینکه يك اوقاصی در کارشان هست دوات معتقد شده است که آنها را طبق اصول بازرگانی اداره بهره برداری نماید بنده شخصاً معتقد هستم که دولت بیاید این کارخانه ها را تبدیل کند بيك شرکتهای ملی و دولتی که تقریباً ۵۱ درصد از مجموع سهام را خود دولت در دست خودش داشته باشد که در موقع انتخاب هیئت مدیره تقریباً کنترل در دست دولت باشد و بعد وقتی که البته هیئت مدیره اینطور انتخاب شد بر اساس تجارتهای این کارخانه ها را اداره کنند تا منظور دولت هم تأمین شود و البته دارای اساسنامه خواهد بود که هیئت مدیره داشته باشد و مقرراتی خواهد داشت از حیث نگاهداری حساب و خرید و فروش و تهیه مواد و مصالح استخدام اعضای فنی و غیر فنی و امثال

عمل کرده اند ؟ اگر خوب کار کردند پاداش بهشان داده شود اگر بد کار کرده اند مجازات شوند .
جمعی از نمایندگان - رأی رأی .
رئیس - رأی میگیریم به پیشنهاد آقای فرمانفرمائیان آقایانی که موافقت بر خیزند (عده قلیلی برخاستند) تصویب شد . پیشنهاد آقای دکتر طاهری خوانده میشود :
 پیشنهاد میشود آخر ماده پنجم باین طریق اصلاح شود :
 و برای تفریح حساب بکمیسیون بودجه مجلس شورای ملی تقدیم شود .
ولیر بازرگانی و پیشه و هنر - بنده قبول میکنم .
رئیس - آقای مخبر ؟
مخبر - بنده هم موافقم .
رئیس - پیشنهاد دیگر آقای دکتر طاهری قرائت میشود :
 پیشنهاد میشود بعد از کلامه بازرگانی کلامه ساخته مان هم اضافه شود .
ولیر بازرگانی و پیشه و هنر - این را هم موافقم .
مخبر - بنده هم قبول میکنم .
رئیس - پیشنهاد آقای منشور خوانده میشود .
 بنده پیشنهاد میکنم برای اداره کردن کارخانجات شرکتهای مختلط دولتی و ملی تشکیل شود که صدی ۵۱ سرمایه آن تعلق بدولت داشته باشد .
رئیس - آقای منشور .
منشور - بعضی از آقایان عقیده دارند که مذاکرات کافی است و اصرار دارند باینکه مطلب باین جا تمام شود ولی چون بنظر بنده تمام مطالب گفته شده و موضوع هم خیلی مهم است باید بیشتر درش صحبت کرد برای اینکه شما اگر در قسمت کارخانجات ملاحظه فرمائید تقریباً چهل و پنج میلیون مخارج و عواید این کار است . اغلب کارخانجات را وقتی که مراجعه فرمائید به بودجه اصلی شان خواهید دید که اگر آن آوانتاها و مزایای را که دولت داده است بآنها بردارند بکلی روی ضرر کاری کنند منجمله

آنها بنده تصور میکنم که یگانه راه حل قضیه اینطور است دوات هم از این راه پولهایی را که در آنجا گذاشته بوده است برمیگرداند و اداره کردنش هم خیلی آسان خواهد بود و این اشکالاتی را هم که میفرمائید پیدا نخواهد شد .
مخبر - عرض کنم دو روز است ، دو جلسه است ماده ۵ را در مجلس داریم صحبت می کنیم و در این صورت که ما میکنم تصدیق خواهید فرمود آنچه که صحبت بوده است شده و اینکه گفته شد مذاکرات کافی است برای همین بود و بنظر رسید که صحبتها تمام شده و همه چیز گفته شده است و مجلس هم قبول کرد در هر صورت بنده این طور فکر می کنم که این لایحه پنجاه و دوسه ماده است و اگر بخواهیم دو جلسه و دو روز را مصرف تصویب يك ماده از این مواد بکنیم تصدیق فرمائید که ماه ها وقت برای این قانون تلف میشود و کارهای دیگر مجلس می ماند از این جهت وقتی که مذاکراتی شد تکرارش بنظر بنده دیگر مورد ندارد همینطور است پیشنهاد آقای منشور که سایر آقایان هم بصورت های مختلفی آرا بیان کردند و پیشنهاد نمودند که آیا مقتضی هست دولت شرکت بدهد بازرگانان را در کارخانجات و گفته شد فعلاً امروز مقتضی نیست شاید يك روزی مقتضی بشود ولی از نظر اینکه امروز این کارخانجات را چون دولت احتیاج دارد برای جلو گیری از احتکار جنس و گرانی قیمت و می بینیم که هر مطلب و هر موضوعی را که از دست دولت خارج میشود حتی قیمتش را هم نمیتواند کنترل کند باین جهت تشخیص اینطور داده شد که دولت فعلاً خودش اداره بکند بر طبق اصول بازرگانی مخصوصاً این کارخانجات یکسال است در دست دولت آمده است از يك سال پیش تا بحال و اینطور تشخیص داده اند این رویه فعلی برای اداره کردن آنها خوب نیست و این را مقتضی دانسته اند برگرداند بصورت دیگری و بشکل بازرگانی اداره شان کنند و بنظر بنده خوبست آقایان هم موافقت فرمائید تا به بینیم که چه میشود نتیجه اش اگر نتیجه این عمل صحیح نبود مطابق آرزو و آمال ما نبود که بالاخره مجلس هست و آن را بصورت

دیگری برمی گرداند و آن طریقی که آقایان نظر دارند می کنند. (صحیح است)

رئیس - رأی گرفته میشود به پیشنهاد آقای منصور آقایان موافقین برخیزند (هیچکس قیام ننمود) رد شد

دکتر جوان - اجازه می فرمائید؟ این پیشنهاد آقای دکتر طاهری خیلی تاریک است و درست نمی دانیم مقصودشان از کلمه ساختمان چیست که بماده اضافه شود و این بعقیده بنده مناسب نیست و بهتر این است که يك توضیحی ایشان بدهند.

رئیس - آقای ثقة الاسلامی

ثقة الاسلامی - همین که آقای دکتر طاهری پیشنهاد کردند کلمه ساختمان هم در ماده اضافه شود ساختمان آقا يك جریان علیحده دارد الان میلیونها در این مملکت خرج ساختمان میشود و نمیشود که تمام ساختمانهای مملکت تمرکز پیدا کند در وزارت پیشه و هنر اینکه میشود اینها ترتیب دیگری دارد ساختمان را که نمیشود طبق اصول بازار گابی اداره کرد این ترتیب مناقصه و مزایده دارد این را باید تفکیک کنند و بعد رأی بگیرند بنده با اضافه این کلمه مخالف هستم (صحیح است)

یکی از نمایندگان - تکلیف پیشنهاد آقای منصور چه شد رئیس - آن پیشنهاد که رد شد از بس آقایان حرف میزنند نمی شنوند

یکی از نمایندگان - پیشنهاد آقای دکتر طاهری مجدداً خوانده شود. این قسم خوانده شد.

پیشنهاد میشود بعد از کلمه بازار گابی کلمه ساختمان هم اضافه شود.

دکتر طاهری - اجازه می فرمائید توضیح بدهم؟ رئیس - بفرمائید

دکتر طاهری - فلسفه اینکه دولت مجبور شد که اداره معادن و کارهای بازار گابی و صنعتی خودش را در حدود مقررات قانونی محاسبات عمومی و تقاعد دیوان محاسبات آزاد کند دوروز در

مجلس صحبت شد و مورد مذاکره واقع شد که فلسفه این چه بوده است خود دولت مجبور شد پیشنهاد کند که کارهای معادن و استخراج تمام معادن ایران و کارهای بازار گابی و خرید و فروش برای اجناس و مواد کارخانجات و مصالح و لوازمش و همچنین کارهای صنعتی و فنی آنها نباید تابع قانون دیوان محاسبات و محاسبات عمومی و قیودانی که در قانون استخدام هست باشد.

استخراج معدن جنبه بازار گابی دارد پیشنهاد این ماده برای این است که اگر تابع این مقررات باشد ضرر و خسارتش زیادتیر است و بیشتر است برای مملکت. چرا؟ برای اینکه وقتی که يك مستخدمی را برای معدن و استخراج معدن معین کنند یا عزل کنند یا نصب کنند عرض کردم اینجا مکرر توضیح داده شد که اگر این ها روی مقررات و قیود قانون استخدام عمل شود مدتی معطل میماند و خسارتش بیشتر خواهد بود اگر ملاحظه می فرمائید در ساختمانها تاکنون هر وزارتخانه که برای زمستان تقاضای تعمیر می کرد تا نشر یفانش انجام شود بتابستان سال بعد برسد اشکالاتش حالا باین ترتیب که بنده پیشنهاد کردم تمام میشود اشکالات استخدامی و مقرراتش تمام میشود اینها يك هیئت مدیره برایشان درست میشود و این کار در تحت نظامنامه و مقرراتی که برای آن هیئت مدیره هست کارش را انجام میدهد الا تحت يك مقررات و قیودی در هر وزارتخانه یک دستگاه و اداره ساختمانی باعتبار بودجه ساختمانی که در بودجه همه وزارتخانهها گذاشته شده است وجود دارد و هر وزارتخانه يك دستگاه ساختمان دارد مثل وزارت فرهنگ که متجاوز از ۸۰ نفر عضو دارد الا آن در بودجه شان مشغول رسیدگی هستیم هکذا در هر وزارتخانه يك اداره ساختمانی هست حالا از لحاظ صرفه جوئی تمام اعتبارات ساختمانی این کشور را يك مبلغ محدود معینی برآورد میکنند و تمرکز در وزارت پیشه و هنر پیدا میکنند و در هر جا دولت لازم بداند باین جا مراجعه می کند این جا کاری هم باشخص نداریم ما يك کار اساسی می خواهیم بکنیم و مجلس شورای ملی موافقت بفرمائند برای آزاد شدن

کارخانجات از این قیود (دیگر ما کاربرد رئیسش نداریم هر کس می خواهد رئیسش باشد) این است که بنده مذاکره کردم آقای وزیر پیشه و هنر معتقد شدند که کلمه بازار گابی شامل ساختمان هم هست و گفتند که این لازم نبود این مشمول هم هست باین حال بنده عقیده ام این است که در این قسمت هم تصویب بفرمائید که از این قیود و حدود آزاد باشد این بصره است این یکی هم مثل آنها باشد

وزیر بازار گابی و پیشه و هنر - عرض میکنم علت اینکه ساختمان را هم بنده موافقت کردم مشمول این عمل بشود از این لحاظ است که اولاً همه وزارتخانهها هر سال و همیشه يك مخارج ساختمانی معمولی دارند و لواشکه تعمیر باشد و لوسفید کردن اطاقها باشد.

در هر حال در ظرف سنوات اخیر يك اسرار کاملی بود برای اینکه شهر زیباتر بشود و ساختمانهای مفصلی هم بکنند البته آن مسائل دیگر امروز اصلاً وجود ندارد و موجود نیست و گذشته از مخارج گزافی که کارهای ساختمانی دارد این اوقات بواسطه مسدود بودن راه خارجه اصلاً لوازمش را هم نمیشود تهیه کرد و بهمین مناسبت هم بود وقتی که بودجه کشور تصویب می شد هم از لحاظ اینکه بیشتر و بهتر بتوانند توافقی را قائل شوند در بودجه و هم از لحاظ صرفه جوئی و هم از لحاظ اینکه موقع را مقتضی نمیدانستند که ساختمان تازه را شروع کنند و يك مبلغ مختصری در بودجه کشور برای ساختمان بآن عریض و طویل گذاشته شده است البته ساختمان تازه که بکلی ممنوع است اما از حیث ساختمانهای که قرار دادش هم تا بحال بسته شده است رعایت کنند که همین قدر که رسید يك جایی که باصطلاح میشود سر کار را بهم آورد یعنی اگر می خواستند يك عمارت پنج طبقه بسازند انقدر بسازند که بشود سقفی رویش گذاشت و ولش کرد و احتیاج باینکه هر چه که در آن قرار داد نوشته شده و قید شده است تکمیل شود نیست برای اینکه نه پولش را داریم و نه وسالرش را داریم این بود که در اول سال تصمیم گرفتیم برای اینکه کار یکسان و يك بواخت شده باشد

و ادارات مختلف تصمیم های متفاوت و مختلف نگرفته باشند تمرکز بدیم در يك اداره این کار را دولت کرده است يك نکته دیگرش هم این است که بیشتر خود این مؤسسات یعنی ساختمانهایی که لازم است بیشتر جزو این کارخانهها و سایر مؤسساتی است که عنوانش در این ماده آمده است بنابراین اگر آقایان اصولاً تصویب میفرمائید که طرز بهره برداری کارخانه سیمان باین ترتیب و طبق اصول بازار گابی باشد. ممکن است این کارخانه سیمان احتیاج بيك تعمیراتی جهت منازل کارگزارانش داشته باشد خوب این هم مشمول این ماده میشود دیگر یا برای ساختمان يك اطاق برای پاسبان احتیاج دارد خوب این هم با خود کارخانه است دیگر و مشمول باین ماده میشود از دو نظر یکی از لحاظ اشتراك و قدر مشترکی که خود ساختمان با این عمل دارد آن را هم مشمول این بکنیم یکی هم از این لحاظ که این موضوع تمرکز داشته باشد البته نمیشود گفت مثلاً در خرید ذغال بيك ترتیبی را رعایت کنند و در طرز ترتیب ساختمان يك اطاق برای پاسبان این موضوع و این رویه مراعات نشود اینکه نمیشود که يك مؤسسه بدو نوع عمل کند یکی دیگر که بیشتر مؤثر بود توضیحی بود که در آن جلسه هم عرض کردم این قانون متمم بودجه قانونی نیست که الی الابد و مادام العمر باشد و نسخ نشود الا آن ما در ماه ششم سال هستیم و شاید بقول آقای دکتر اعتبار چندین ماه هم ما گرفتار این قانون باشیم میرسد بواسطه بهن که شاید کسی در آن موقع ساختمان نخواهد کرد و يك نکته دیگرش این است که این اصلاً برای اجازه ساختمان تازه نیست خلاصه ما اجازه میگیریم که برای جلو گیری از ساختمانها اینجا داشته باشیم که محدود کنیم یعنی اگر بگویند قرار دادی رد و بدل شده که ساختمان سه طبقه بسازد و حالا دو طبقه است و يك طبقه اش را دولت میگوید بساز آن هم قرارداد در دستش است برود در محکمه حقوقی و بر دولت اقامه دعوی کند و بسگویند فرس مازور بوده است و يك گفتگوهای زیادی بشود آخر هم ب نتیجه برسیم اگر آقایان توجه بفرمائند

با این قیودی که بنده عرض کردم مقصود این بوده است که اولاً در يك مؤسسه بدو نوع عمل نشده باشد تا یا در امسال ما اختصار خواهیم کرد در کارخانه دادن بساختمانها بیکی از دو صورت یعنی اگر بيك جائی رسیده باشد که خانه می بابد اگر هم رسیده باشد بيك طوری که غیر قابل استفاده ماند و تولید ضرر نکند سرش را هم می آوریم گذشته از آن عرض می کنم که ما اصلاً بودجه ای برای این کار نداریم به کمیسیون بودجه مراجعه فرمائید اصلاً ما مبلغ کزافی نداریم تا اینکه قابل بحث و گفتگوی زیاد باشد مبلغش خیلی مختصر است مدتش هم محدود است و اگر اجازه فرمائید ما این سه چهار ماه آخر سال هم موفق بشویم این را با اجرا بگذاریم این خود يك تجربه ایست که برای سال آینده آقایان ملاحظه خواهید فرمود که مفید بوده است یا مضر.

رئیس - آقای انوار

انوار - عرض می کنم که ببخشید سوء ظنی برای من ایجاد شد و آن اینست که باید کارها طبق قانون محاسبات عمومی بمنافسه و مزایده باشد اگر این موضوع ساختمانی که در اینجا نوشته شده است تحت عنوان مزایده و منافسه است که بنده عرض ندارم و در غیر این صورت بنده مخالفم و بر ضرر دولت است و باید صحبت کنیم و بحث کنیم ببخشید جسارت میشود من سوء ظن پیدا کردم چون اساساً قانون دیوان محاسبات را ما باید منظور کنیم و منافع دولت نصب العین ما باشد از این نظر ما نمیتوانیم این موضوع ساختمانی را جزو بازرگانی و در اختیار نام وزارت قرار بدهیم و باید مطابق قانون دیوان محاسبات و محاسبات عمومی باشد. (صحیح است)

وزیر بازرگانی و پهنه و هنر - آقای انوار خواهش می کنم توجه فرمائید در این موضوع در هر وزارتخانه عرض کردم يك قسمت ساختمانی کوچک یا بزرگ لازم است حالا برای نقش و نگار انداختن اطاق وزیر یا برای سفید کردن اطاق یکی از اعضا باشد اینکه علی ای حال لازم است این چیزی که اینجا پیشنهاد شده و جنابعالی تعجب می فرمائید از این کلمه بازرگانی این میگوید هر وزارتخانه اگر

اگر صد هزار خروار کچ خرید و سوء یتیمی درش اعمال کرد از همان نظر اول فهمیده میشود

دکتر طاهری - عرض کنم بنده چون رئیس - عده زیادی از آقایان اجازه خواسته اند

دکتر طاهری - بنده چون صاحب پیشنهاد هستم حرف نمی زنم. بنده تصور کردم مطلب طوری است که اکثریت مجلس موافق است حالا احساس می کنم آنطوریکه بنده خیال می کردم استدلال بنده کفایت نکرده است از این جهت پس می گم پیشنهاد خودم را

۳ - موقع و دستور جلسه آئینه - ختم جلسه |
جمعی از نمایندگان - ختم جلسه
رئیس - پیشنهادات زیاد است و عده باقی مانده است اگر اجازه فرمائید جلسه را ختم کنیم جلسه آئینه روز يك شنبه پانزدهم شهریور ماه سه ساعت و نیم قبل از ظهر دستور هم بقیه پیشنهادات این ماده متمم بودجه (صحیح است)

مجلس پنجاه دقیقه بعد از ظهر ختم شد |
رئیس مجلس شورای ملی - حسن اسفندیاری